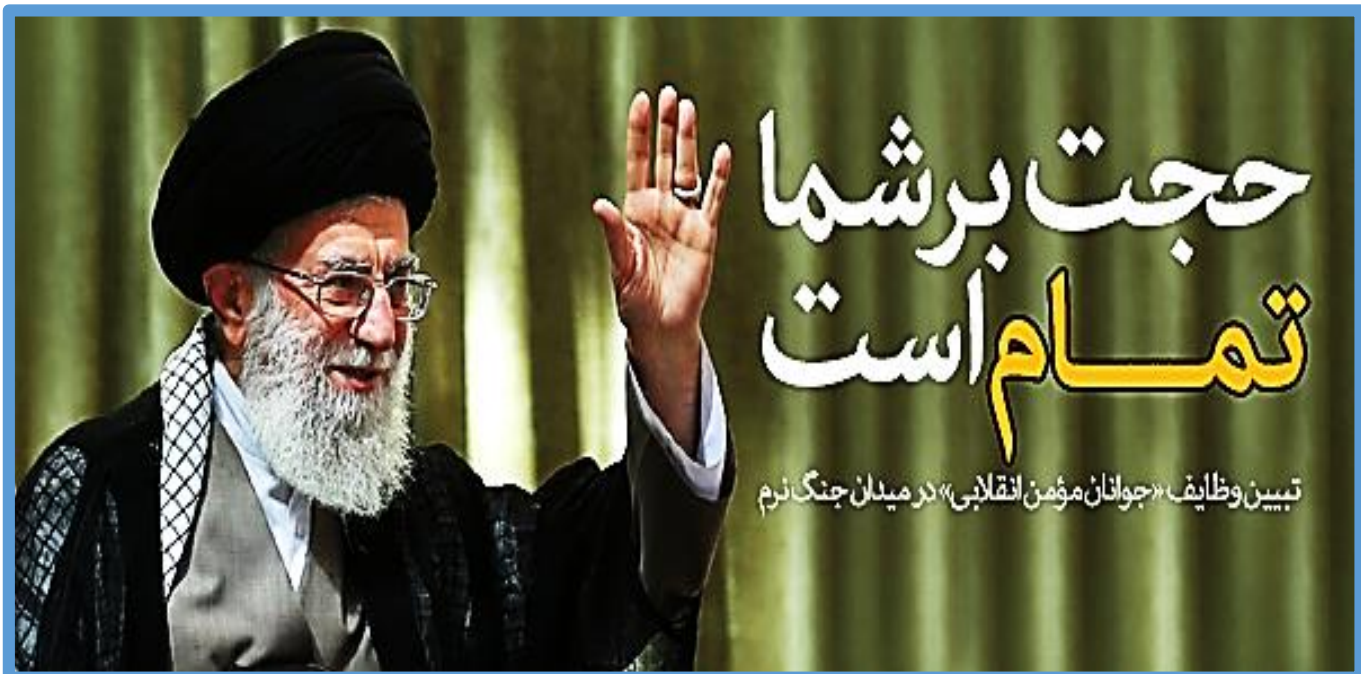


حجت بر شما تمام است



❖ ما را «هدف» گرفته‌اند

دشمنی که علی‌رغم همه‌ی توطئه‌ها نتوانسته به ملت ضربه وارد کند، حالا با تمام قوا به میدان آمده تا با «نفوذ» به مقصود خود برسد: «ما در جنگ نرمیم؛ در جنگ سیاسی هستیم، در جنگ فرهنگی هستیم، در جنگ امنیتی و نفوذی هستیم؛ فکرها و اراده‌ها دارند با هم می‌جنگند.»

۳۱/۳/۹۵ دشمنان در این عرصه «تغییر باورها، آرمان‌ها و سبک زندگی» را «هدف» گرفته‌اند: «عمده‌ترین وسیله دو چیز [است]؛ یکی پول، یکی هم جاذبه‌های جنسی... [برای اینکه افراد مؤثر

را] بکشاند به آن سمت مورد نظر خودشان. آن سمت مورد نظر چیست؟ آن عبارت است از تغییر باورها، تغییر آرمان‌ها، تغییر نگاه‌ها، تغییر سبک زندگی «۴/۹/۹۴» و به دنبال این هستند: «کاری کنند که این شخصی که مورد نفوذ قرار گرفته است، تحت تأثیر نفوذ قرار گرفته، همان چیزی را فکر کند که آن آمریکایی فکر می‌کند «۴/۹/۹۴»»

شمشیر کشیده‌ام

اما در سوی دیگر این میدان، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، خود با تمام قوا به میدان آمده‌اند: «من شمشیر را کشیدم، مشغولیم، ما از چپ و راست داریم می‌زنیم «۳۱/۳/۹۵» تنها راه مقابله «جهاد» است: «جهاد همیشه لازم است. گاهی جهاد، جهاد سیاسی است، گاهی جهاد فرهنگی است، گاهی جهاد نرم است... اما در همه‌ی این‌ها باید توجه داشت که این جهاد، علیه دشمن است «۲۷/۹/۹۵». در زمانه‌ای که رهبر انقلاب به‌عنوان مقتدا این‌گونه در میانه‌ی میدان «مجاهدت» وارد شده، تکلیف مؤمنین انقلابی و به‌خصوص «جوانان مؤمن انقلابی» روشن و «حجت تمام است»: «حجت بر شما تمام است. انتظار از شما عزیزان کاری بیش از خودسازی علمی و دینی و اخلاقی است؛ انتظار آن است که بر محیط پیرامونی خود اثر گذارید و بر رهروان راه خدا با گفتار و عمل خود بیفزائید. در نبرد نامتقارن جبهه‌ی کفر و استکبار با پرچم برافراشته‌ی اسلام ناب، این وظیفه‌ی همه‌ی ما است «۱/۱۱/۹۵»»

هم خودسازی، هم دگرسازی

خطاب رهبر انقلاب به جوانان مؤمن انقلابی این است که: «هم خودسازی کنید، هم دگرسازی کنید «۱/۲/۹۵» تربیت و پرورش «جوانانی با «هویت و شاکله‌ی اسلامی و انقلابی» وظیفه است و اگر: «چنانچه حرکتی در جهت عکس بکند یا در این جهت کوتاهی بکند، برخلاف وظیفه‌اش عمل کرده است؛ برخلاف آنچه خدا از او می‌خواهد، عمل کرده است «۱/۲/۹۵»» برای حضور مؤثر و مفید در عرصه‌ی «جنگ نامتقارن اسلام و کفر» اما باید الزاماتی را رعایت کرد.

اول اینکه: «اگر می‌خواهیم در مقابل جبهه‌ی استکبار ایستادگی کنیم، مقاومت کنیم، به آن عزت، آن شرف، آن اقتداری که جمهوری اسلامی لایق آن است و انقلاب به ما وعده‌ی آن را داده برسیم، احتیاج داریم به اینکه در رفتار شخصی خودمان رعایت‌های لازم را بکنیم؛ آن تقوا را حفظ کنیم.» ۱۲/۴/۹۵. و دوم اینکه باید «اراده و عزم راسخ» را حفظ کرد: «در جنگ نامتقارن، اراده‌ها هستند که با هم می‌جنگند... نگذارید اراده‌تان سست بشود، نگذارید تبلیغات دشمن و وسوسه‌های دشمن، در اراده و عزم راسخ شما تزلزل ایجاد کند؛ این اراده‌ی مستحکم را نگه دارید؛ این ضامن پیروزی است.» ۳/۳/۹۵. علاوه بر این باید «دایره‌ی مخاطبان» را در این جهاد گسترش داد و حتی برای «قشر خاکستری» جامعه هم کار مؤثر انجام داد: «مخاطبان‌تان را افزایش بدهید... گاهی اوقات حتی لازم می‌شود که انسان [فقط] با یک مخاطب حرف بزند؛ یعنی برای افناع یک مخاطب.» ۱۲/۴/۹۵. طوری که: «"گر آن بیگانه هم با ما نشیند آشنا خیزد!" این جوری باید باشد. آن بیگانه هم اگر با شما نشست، باید آشنا بلند شود.» ۱۹/۸/۹۵.

❖ عاقبت ایستادگی پیروزی است

اگر با فهم درست و عمل بهنگام در «میدان جهاد فرهنگی و تبیینی» حاضر شویم و «ایستادگی» کنیم، وعده‌ی رهبر به ما «پیروزی» است: «بنده‌ی حقیر وظیفه‌ی دینی‌ای دارم، وظیفه‌ی شرعی‌ای دارم، وظیفه‌ی اخلاقی‌ای دارم؛ در مواجهه‌ی با ضدّ انقلاب و معارضین انقلاب ایستاده‌ام و تا جان در بدن دارم این ایستادگی وجود دارد... و عاقبت ایستادگی هم پیروزی است.»

۱۲/۴/۹۵

❖ تعریف افسر جوان جنگ نرم

در این جنگ نرم، شما جوانهای دانشجو، افسران جوان این جبهه‌اید. نگفتیم سربازان، چون سرباز فقط منتظر است که به او بگویند پیش، برود جلو؛ عقب بیا، بیاید عقب. یعنی سرباز هیچگونه از خودش تصمیم‌گیری و اراده ندارد و باید هر چه فرمانده میگوید، عمل کند. نگفتیم هم فرماندهانِ طراح قرارگاه‌ها و یگانهای بزرگ، چون آنها طراحیهای کلان را میکنند. افسر جوان تو صحنه

است؛ هم به دستور عمل میکنند، هم صحنه را درست میبینید؛ با جسم خود و جان خود صحنه را میآزماید. لذا اینها افسران جوانند؛ دانشجو نقشش این است. حقیقتاً افسران جوان، فکر هم دارند، عمل هم دارند، تو صحنه هم حضور دارند، اوضاع را هم میبینند، در چهارچوب هم کار میکنند.

۱۳۸۸/۰۶/۰۸ بیانات در دیدار اساتید دانشگاهها

🔥 آتش به اختیار و مفهوم آن

من به همه‌ی آن هسته‌های فکری و عملی جهادی، فکری، فرهنگی در سرتاسر کشور مرتباً میگویم: هرکدام کار کنید؛ مستقل و به‌قول میدان جنگ، آتش‌به‌اختیار. البته در جنگ، قرارگاه مرکزی وجود دارد که دستور میدهد، اما اگر چنانچه رابطه‌ی قرارگاه قطع شد یا قرارگاه عیبی پیدا کرد، اینجا فرمانده دستور آتش‌به‌اختیار میدهد. خب شما افسرهای جنگ نرمید - قرار شد شما افسران جوان جنگ نرم باشید - آنجایی که احساس میکنید دستگاه مرکزی اختلالی دارد و نمیتواند درست مدیریت کند، آنجا آتش‌به‌اختیارید؛ یعنی باید خودتان تصمیم بگیرید، فکر کنید، پیدا کنید، حرکت کنید، اقدام کنید.

گاهی اوقات انسان احساس میکند دستگاه‌های مرکزی فکر و فرهنگ و سیاست و مانند اینها دچار اختلالند، دچار تعطیلند؛ واقعاً آدم گاهی اوقات احساس میکند. حالا مثلاً فرض بفرمایید این‌همه ما مسئله‌ی فرهنگی در کشور داریم، مسائل مهم که شاید من بتوانم ده مسئله‌ی اصلی فرهنگی را بشمارم که اینها دچار مشکل است؛ فرض کنید مسئله‌ی سینما، یک مسئله‌ی مهم است، [یعنی] مسئله‌ی فرهنگی مهمی است که سینمای کشور چه جوری اداره میشود، از کجا پشتیبانی میشود - حالا پشتیبانی خارجی هم پیدا میکنند برای فیلم‌ها - اداره‌ی هنر کشور و سینما که چیز کوچکی نیست؛ مثلاً فرض کنید ده مسئله‌ی این جوری میشود پیدا کرد، [اما] ناگهان می‌بینید مثلاً فرض کنید اینکه فلان آهنگ قبل از افطار پخش بشود یا نشود، میشود مسئله‌ی اصلی؛ نامه‌نگاری میکنند! (۱۰) پیدا است که این دستگاه اختلال پیدا کرده که مسئله‌ی

اصلی را از مسئله‌ی فرعی تشخیص نمیدهد و یک مسئله‌ی اصلاً بی‌اعتبار بی‌اهمیت فرعی را به‌عنوان یک مسئله‌ی اصلی، درشت میکنند. وقتی این‌جوری دستگاه‌های مرکزی اختلال دارند، آن وقت اینجا جای همان آتش‌به‌اختیاری است که عرض کردم. ۹۶/۳/۱۷ دیدار دانشجویان

🔸 واکاوای معنای آتش به اختیار

🔸 مهم‌ترین اولویت اقدام

وقتی افسر جوان جنگ بخواهد در عرصه‌های مختلف به‌صورت «آتش به اختیار» عمل کند، برای انتخاب تاکتیک مناسب باید اولویت عملیات خود را بشناسد و مسائل اصلی و فرعی محور خود را به‌درستی شناسایی کند؛ زیرا از زمینه‌های صدور فرمان «آتش به اختیار» اساساً همین جابه‌جایی اصلی‌ها و فرعی‌ها است. در شرایط تهاجم و نفوذ نرم دشمن، غفلت مسئولان و «اصلی - فرعی نکردن امور» و عدم شناخت درست از اولویت‌ها برای اقدام، مایه‌ی آسیب‌های گسترده در ابعاد ملی است. این عدم تشخیص صحیح در شرایطی که «دستگاه محاسباتی مسئولان نظام اسلامی» دچار اختلال می‌شود، ابعاد و عمق گسترده‌تری می‌یابد و هزینه‌های فراوانی را بر انقلاب و کشور تحمیل می‌کند.

🔸 الزامات رسیدن به تصمیم درست در شرایط «آتش به اختیار»

اگر نیروهای انقلابی و افسران جنگ نرم در شرایط «آتش به اختیار»، بخواهند به تصمیم‌های درست برسند لازم است به نکات مهم زیر توجه کنند:

۱. توجه به اصول فکری امام و انقلاب اسلامی:

نیروهای انقلابی، اندیشه و عمل حضرت امام خمینی و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای را گزاره‌هایی دینی می‌دانند که بر اساس روش اجتهادی از منابع دینی برداشت شده‌اند. مهم‌ترین آفت در برخورد با این گزاره‌ها «تحریف» آن است؛ و راه مقابله با این آفت نیز برخورد اجتهادی با

اندیشه‌ی امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای، هم در مرحله‌ی شناخت اصول و هم در مرحله‌ی اقدام است: «آن راهی که میتواند مانع از این تحریف بشود، بازخوانی اصول امام است. امام یک اصولی دارد، یک مبانی‌ای دارد؛ این مبانی در طول ده سال دوران حاکمیت اسلامی و پیش از آن در طول پانزده سال دوران نهضت، در بیانات گوناگون بیان شده است؛ اصول امام را در این بیانات میشود پیدا کرد؛ این اصول را، این خطوط را کنار هم که بگذاریم، یک شاکله‌ای از امام بزرگوار تشکیل خواهد شد؛ شخصیت امام این است. این اصول را امام در بیانات خود تکرار کرده است؛ این اصول را گزینشی هم نبایستی انتخاب کرد.» ۱۴/۳/۱۳۹۴

و البته مهم‌ترین اصول فکری حضرت امام نیز توسط رهبر انقلاب تبیین شده است: «اسلام ناب محمدی و نفی اسلام آمریکایی»، «اتکال به کمک الهی، اعتماد به صدق وعده‌ی الهی و در نقطه‌ی مقابل، بی‌اعتمادی به قدرتهای مستکبر و زورگوی جهانی»، «اعتقاد به اراده‌ی مردم و نیروی مردم و مخالفت با تمرکزهای دولتی»، «طرف‌داری جدی از عدالت اجتماعی و حمایت از محرومان و مستضعفان و مخالفت با نابرابری و اشرافیگری»، «مخالفت و مبارزه با قلدران بین‌المللی و مستکبران و حمایت از مظلومان و جبهه‌ی مقاومت»، «توجه به استقلال کشور و ردّ سلطه‌پذیری» و «توجه به وحدت ملی و مقابله با توطئه‌های تفرقه‌افکن». ۱۴/۳/۱۳۹۴

۲. توجه به عقلانیت انقلابی:

در اندیشه‌ی رهبر انقلاب، مهم‌ترین تعبیری که در تقابل معنایی با عقلانیت انقلابی قرار دارند، محاسبه‌ی محافظه‌کارانه، قشری‌گری، تحجر، اسیر اوهام و تخیلات خود شدن و سازشکاری (با دشمن) است؛ بنابراین در شرایط آتش به اختیار، هیچ‌کدام از نیروهای انقلابی به این ورطه‌ها درنخواهند افتاد. همچنین توجه به «حکمت» و به کار گرفتن خرد و تدبیر و فکر و محاسبات و کار کارشناسی، مطالعه‌ی درست، ملاحظه‌ی جوانب و آثار و تبعات یک اقدام - و حتی گاهی ملاحظه‌ی تبعات یک اظهارنظر - از مهم‌ترین بایسته‌ها در شرایط آتش به اختیار و مبتنی بر عقلانیت انقلابی است.



۳. نظم و قانون گرایی:

در اندیشه‌ی رهبر انقلاب، نظام اسلامی با معماری حضرت امام خمینی و با توجه به چهار عنصر کلیدی بنیاد گرفته است: «اسلام، مردم، قانون گرایی و دشمن ستیزی»؛ [۱۴/۳/۱۳۸۰](#)

و اهمیت قانون گرایی در نظام اسلامی، در چنین سطحی قابل طرح است؛ یعنی با بی توجهی به قانون در نظام اسلامی، گویی یکی از مهم ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی و حضرت امام خمینی بی اهمیت انگاشته شده است: «هنوز از پیروزی انقلاب دو ماه نگذشته بود که امام همه پرسى درباره‌ی نظام اسلامی را اعلان کرد، که مردم به نظام جمهوری اسلامی رأی دادند. چند ماه از پیروزی انقلاب نگذشته بود که امام گفت باید قانون اساسی نوشته شود... هنوز یک سال از پیروزی انقلاب نگذشته بود که مردم در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کردند؛ بعد از مدت کوتاهی هم مجلس شورای اسلامی به راه افتاد. بنابراین از اول، مبنای کار انقلاب بر نظم و قانون بود... این انقلاب، مظهر نظم و قانون بود... این را باید مغتنم شمرد. پایبندی به نظم و قانون و مسئولیت‌های قانونی قوا باید مورد احترام همه باشد» [۱۴/۳/۱۳۸۰](#)